



موضوع: قبله

نقل کلام فقهاء برای این است که ما کیفیت استنباط از قرآن کریم و روایات را بفهمیم تا در نتیجه خودمان نیز راه استنباط را به عنوان یک درس بزرگ از آنها فرا بگیریم، دیروز کلام آقای خوئی از مستند العروة را نقل کردم.

درباره قبله روایاتی داریم که می گویند قبله کسانی که در مسجد الحرام هستند کعبه می باشد و اگر در حرم باشند قبله آنها مسجد الحرام است و اگر در غیر حرم باشند قبله آنها حرم است، این عبارتی که عرض می کنم هم برای شیخین و هم برای محقق در شرایع می باشد: «و هي الكعبة لمن كان في المسجد والمسجد قبله لمن كان في الحرم و ال حرم لمن خرج عنه على الأظهر»^۱.

اخبار مربوط به این مسئله در باب ۳ از ابواب قبله ذکر شده و عنوان باب این است: «أن الكعبة قبله لمن في المسجد والمسجد قبله لمن في الحرم والحرم قبله لأهل الدنيا، واتساع جهة محاذاة الكعبة».

فقهاء ما نوعاً این اخبار را توجیه کرده و فرمودند اینها طریقت دارند نه موضوعیت و در واقع موضوع همان خانه کعبه می باشد یعنی مثلاً وقتی به کعبه نگاه می کنیم اینها طریق نگاه به کعبه هستند و نمی شود ما چند قبله داشته باشیم البته آقای خوئی طبق مبنای خودش که فقط به سند روایات نگاه می کند و دیگر عمل و اعراض اصحاب و فقهاء را موثر نمی داند می فرماید این اخبار سناً ضعیف هستند.

خبر اول: «محمد بن الحسن بإسناده عن محمد بن أحمد بن يحيى، عن الحسن بن الحسين عن عبد الله بن محمد الحجال، عن بعض رجاله (بخاطر این کلمه خبر مرسل به ابهام واسطه می باشد)، عن أبي عبد الله عليه السلام إن الله تعالى جعل الكعبة قبله لأهل المسجد، وجعل المسجد قبله لأهل الحرم، وجعل الحرم قبله لأهل الدنيا. ورواه الصدوق في (العلل) عن أبيه، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد بن يحيى مثله»^۲.

خبر دوم: «وإسناده عن أبي العباس بن عقدة، عن الحسين بن محمد بن حازم (توثیق نشده)، عن تغلب بن الضحاك (مهمل است)، عن بشر بن جعفر الجعفري (توثیق نشده)، عن جعفر بن محمد عليهما السلام

قال: سمعته يقول: البيت قبله لأهل المسجد، والمسجد قبله لأهل الحرم، والحرم قبله للناس جميعاً»^۳.

خبر سوم: «محمد بن علي بن الحسين قال: قال الصادق عليه السلام إن الله تبارك وتعالى جعل لكعبة قبله لأهل المسجد، وجعل المسجد قبله لأهل الحرم، وجعل الحرم قبله لأهل الدنيا»^۴.

همانطور که دیدید در این اخبار چند قبله ذکر شده لذا فقهاء ما این اخبار را توجیه کرده اند ولی خب آقای خوئی طبق مبنای خودش فرموده تمام اینها ضعیف هستند، ما باید یک مبنائی در مورد اخبار داشته باشیم و طبق آن عمل کنیم، کلام محقق در شرایع را نقل کردیم که فرموده: «و هي الكعبة لمن كان في المسجد والمسجد قبله لمن كان في الحرم و ال حرم لمن خرج عنه على الأظهر» ولی همین محقق در معتبر فرموده قبله یا کعبه است و یا جهت کعبه و باز همین محقق در مختصر فرموده فقط کعبه قبله می باشد، منظور اینکه آقای خوئی فرموده این اخبار ضعیف هستند و از بحث عبور کرده ولی فقهاء دیگر اقوال و توجیهاات مختلفی را برای اخبار مذکور بیان کرده اند زیرا مشهور قائلند که ملاک در حجیت اخبار اطمینان به صدور می باشد و وقتی این اخبار قرناً بعد قرن در کتب فقهاء ما ذکر شده و به آنها عمل کرده اند همین عمل آنها ضعفشان را جبران می کند و اما فقهاء ما در توجیه این اخبار فرمودند در واقع اینها طریقت دارند نه موضوعیت.

دیروز مقداری از کلام آیت الله خوئی را خواندم و امروز نیز از کلام ایشان می خوانیم تا این اختلاف در استنباط و مبنا مشخص شود، صاحب عروه فرمود: «و لا يعتبر اتصال الخط من موقف كل متصل بها بل المحاذاة العرفية كافية غاية الأمر ان المحاذاة تتسع مع البعد، و كلما ازداد بعداً ازدادت سعة المحاذاة كما يعلم ذلك بملاحظة الأجرام البعيدة كالأنجم و نحوها، فلا يقدر زيادة عرض الصف المستطيل عن الكعبة في صدق محاذاتها كما نشاهد ذلك بالنسبة إلى الأجرام البعيدة، و القول بأن القبلة للبعيد سمت الكعبة و جهتها راجع في الحقيقة إلى ما ذكرنا، و إن كان مرادهم الجهة العرفية المسامحة فلا وجه له»^۵.

آیت الله خوئی در شرح این کلام صاحب عروه می فرماید ما چنین چیزی در روایات و نصوص نداریم و بعد ایشان در توجیه کلام افرادی که اینطور قائل شده اند کلماتی دارد به این بیان که: «قد أشرنا إلى تصريح غير واحد من الأعلام بأن قبلة البعيد هي جهة الكعبة لا عينها، و لا يخفى أن هذا التعبير لم يرد في شيء من النصوص، و إنما التزم بها من التزم

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۲۲۰، ابواب قبله، باب ۳، حدیث ۲، ط الاسلامیة.

^۴ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۲۲۰، ابواب قبله، باب ۳، حدیث ۳، ط الاسلامیة.

^۵ العروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج ۲، ص ۲۹۴، ط جماعة المدرسین.

^۱ شرایع الاسلام، محقق حلی، ج ۱، ص ۵۵، ط اسماعیلیان.

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۲۲۰، ابواب قبله، باب ۳، حدیث ۱، ط الاسلامیة.

کنیم که فراغ یقینی که مد نظر شارع مقدس می باشد محقق بشود و این بحث ایشان بسیار بحث خوبی می باشد.

ایشان در ادامه به سراغ بحث ستاره ها رفته و می فرماید فقط در مورد ستاره جُدی روایت داریم، در مورد خورشید و حرکت آن و راه تشخیص قبله از این طریق هم بجنهائی مطرح شده که قبلاً به عرضتان رساندم که دو روز در سال یعنی در هشتم جوزا و بیست و دوم سرطان در ظهر خورشید بالای سر کعبه می باشد که در این موقع اگر روبه خورشید باشیم در واقع رو به کعبه هستیم.

خواجه نصیرالدین طوسی از راه خورشید قبله را معین کرده و برخی از فقهاء ما از راه ماه قبله را مشخص کرده اند و البته گاهی نیز از راه ستارگان قبله معین شده.

علی آئی حال آیت الله خوئی طبق منبای خودشان می فرماید تمام روایات مربوط به ستاره جُدی ضعیف هستند ولی خب فقهاء ما طبق منبای خودشان (اطمینان به صدور و اعتبار عمل یا اعراض اصحاب و فقهاء) این اخبار را توجیه کرده اند.

صاحب وسائل در باب ۵ از ابواب قبله اخبار مربوط به تشخیص قبله از روی ستاره جدی را ذکر کرده و عنوان باب این است: "باب وجوب العمل بالجدی فی معرفة القبلة".

خبر اول: ﴿محمد بن الحسن یاسناده عن الطاطری، عن جعفر بن سماعة، عن العلاء بن رزین، عن محمد بن مسلم، عن أحدهما علیهما السلام قال: سألته عن القبلة، فقال: ضع الجدي فی قفاک وصل﴾.^۸

خبر دوم: ﴿محمد بن علی بن الحسین قال: قال رجل للصادق علیه السلام: إني أكون فی السفر ولا أهندي إلى القبلة باللیل، فقال: أتعرف الكوكب الذي یقال له جدي؟ قلت: نعم، قال: اجعله علی یمینک، وإذا كنت فی طریق الحج فاجعله بین کنفیک قال صاحب المدارك: الأولى العلامة الأولى والثالثة علی أطراف العراق الغربية﴾.^۹

اخبار دیگری نیز در این باب با همین موضوع ذکر شده و فقهاء ما آنها را توجیه کرده اند که بمانند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله

علی محمد و آله الطاهیرین

و عدل عن جعل الكعبة بعینها قبلة علی الإطلاق الذی هو مقتضی ظواهر النصوص لوجهین:

الأول: بطلان صلاة المأموم إذا كان البعد بینه و بین الإمام أكثر من طول الكعبة البالغ عشرين ذراعاً تقريباً، فإذا كان الفصل بینهما ثلاثین ذراعاً مثلاً فالمأموم یعلم حینئذ ببطلان صلاته تفصیلاً، إما لانحرافه عن الكعبة بنفسه أو لانحراف الإمام، و هذا بخلاف الاكتفاء بالجهة، فإن الصف حینئذ مهما طال و الجماعة مهما اتسعت فالكل متوجهون إلى الكعبة و مستقبلون سمتها.

الثانی: ما ذكره المحقق الأردبیلی فیما حکى عنه، قال ما لفظه: عدم اعتبار التدقیق فی أمر القبلة و أنه أوسع من ذلك، و ما حاله إلا كأمر السید عبده باستقبال بلد من البلدان النائبة، الذی لا ریب فی امثاله بمجرد التوجه إلى جهة تلك البلد من غیر حاجة إلى رصد و علامات و غیرها مما یختص بمعرفته أهل الهيئة المستبعد أو الممتنع تکلیف عامة الناس من النساء و الرجال خصوصاً السواد منهم بما عند أهل الهيئة الذی لا یعرفه إلا الأوحى منهم، و اختلاف هذه العلامات النی نصوبها و خلوق النصوص عن التصریح بشیء من ذلك سؤالاً و جواباً عدا ما ستعرفه مما ورد فی الجدی من الأمر تارة یجعله بین الکتفین و أخرى یجعله علی الیمین مما هو مع اختلافه و ضعف سنده و إرساله خاص بالعراقی، مع شدة الحاجة لمعرفة القبلة فی أمور كثيرة خصوصاً فی مثل الصلاة التي هی عمود الأعمال، و ترکها کفر، و لعل فسادها و لو بترك الاستقبال كذلك أيضاً، و توجه أهل مسجد قبا فی أثناء الصلاة لما بلغهم انحراف النبی (صلی الله علیه و آله) و غیر ذلك مما لا یخفی علی العارف بأحكام هذه الملة السهلة السمحة أكبر شاهد علی شدة التوسعة فی أمر القبلة و عدم وجوب شیء مما ذكره هؤلاء المدققون... إلى آخر کلامه الشریف».^۶

آیت الله خوئی بجنهائی مفصلی درباره کلام محقق اردبیلی می کند و می فرماید ما این وسعتی که ایشان برای قبله قائل شده را قبول نداریم بلکه عرفاً باید صدق کند که انسان روبروی خانه کعبه ایستاده و این با راهنائی که ذکر کردم من جمله کروییت زمین حل می شود و آخر الامر آقای خوئی می فرماید: «فحصل من جمیع ما ذکرناه: أن الكعبة بعینها قبلة لعامة الناس، سواء فیه القریب و البعيد كما تقتضیه ظواهر النصوص من الآیات و الروایات».^۷

آقای خوئی در ادامه وارد این بحث می شود که اشتغال یقینی فراغ یقینی می خواهد به این بیان که ما یقین داریم نمازی با شرایط خاصی که یکی از آنها استقبال قبله است بر ما واجب شده و ذمه ما نسبت به آن اشتغال پیدا کرده و اشتغال یقینی فراغ یقینی می خواهد لذا ما باید طوری مشی

^۸ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۲۲۲، ابواب قبله، باب ۵، حدیث ۱، ط الاسلامیة.

^۹ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۲۲۲، ابواب قبله، باب ۵، حدیث ۲، ط الاسلامیة.

^۶ مستند العروة، سید ابوالقاسم خوئی، ج ۱۱، ص ۴۲۵.

^۷ مستند العروة، سید ابوالقاسم خوئی، ج ۱۱، ص ۴۳۲.